

معرفی کتاب:

جنسیت و سیاست اجتماعی در اوضاع و احوال جهانی (تأملاتی پیرامون ساختار جنسیتی شده امر اجتماعی)^۱

مهدی ابراهیمی

چکیده: کتاب جنسیت و سیاست اجتماعی در اوضاع و احوال جهانی، بخشی از برنامه پژوهشی نهاد تحقیقاتی سازمان ملل در زمینه توسعه اجتماعی (UNRISD) است و با ارائه تحقیقاتی مقایسه‌ای که توسط گروهی از متخصصان مسائل جنسیتی (عمدتاً متعلق به کشورهای در حال توسعه) به انجام رسیده است، به کاوش در ابعاد جنسیتی سیاست اجتماعی می‌پردازد. این کتاب ضمن مطرح ساختن این بحث که دیدگاه جنسیتی به سیاست اجتماعی در کشورهای با درآمد پایین و متوسط همچنان امری حاشیه‌ای تلقی می‌شود، نشان می‌دهد که چگونه مسئله جنسیت بر نهادهای اجتماعی درگیر در سیاست اجتماعی همچون خانواده، بازار، سیستم آموزشی و بهداشتی و بخش دولتی تأثیر می‌گذارد. هدف کتاب نیز وارد ساختن چارچوب تحلیل جنسیتی به بطن تفکرانی است که پیرامون سیاست اجتماعی وجود دارد. به زعم نویسندگان این کتاب، حقوق اجتماعی و اقتصادی توسط ساختارها و اصلاحات اقتصادی، طراحی‌ها و ظرفیت‌های نهادی و آن‌دسته از فرایندهای سیاسی شکل می‌گیرد که عمیقاً آغشته به مسائل جنسیتی‌اند. آن‌ها معتقدند اندیشیدن پیرامون ارائه خدمات اجتماعی می‌بایست عرصه‌ای فراتر از دولت‌ها و بازارها را دربرگیرد.

1. Shahra Razavi and Shireen Hassim (2006), Gender and social policy in a Global context (uncovering the Gendered structure of "the social")

شهراراضوی، مدیر پژوهشی نهاد تحقیقاتی سازمان ملل در زمینه توسعه اجتماعی است. شیرین حصیم، دانشیار مطالعات سیاسی در دانشگاه ویت واترز رند (Witwatersrand) در آفریقای جنوبی است. (انتشارات: پالگریو (palgrave) سال انتشار: ۲۰۰۶ (چاپ اول))

مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره دهم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۸، ص. ۱۹۱-۱۹۶

کتاب دارای چهار بخش است و هر بخش به چند فصل تقسیم می‌شود. پیش از بخش اول، در فصلی که عنوان کتاب نیز برگرفته از آن است، موضوعاتی از این قبیل مورد توجه قرار گرفته است: اقتصاد به مثابه یک ساخت جنسیتی شده^۱، تاریخچه نیروی کار دستمزدی و حمایت اجتماعی، غیررسمی شدن بازار کار و زوال الگوی مرد نان‌آور، مسئله جنسیت و بازارهای کار و تداوم و تغییر آن، جنسیت و ساختاردهی مجدد به بخش اجتماعی، تجاری شدن و خانوادگی شدن رفاه، هدفمند ساختن ارائه خدمات اجتماعی و تقابل احتمالی آن با فراگیر نمودن این خدمات، دوگانه اندیشیدن به موضوع جنسیت در سیاست‌های اجتماعی توسعه‌ای، پیش‌فرض‌های موجود در باب خانواده‌ها و سیاست‌های خانواده‌گرا، قابلیت دسترسی و ظرفیت و مشروعیت نهادهای دولتی، سیاست‌گذاری اجتماعی به مثابه کشمکش سیاسی و در نهایت، نمایندگی، احزاب سیاسی و تغییر سیاست‌های اجتماعی.

آنچه در این فصل بدان پرداخته شده این است که به لحاظ تاریخی، ارائه خدمات اجتماعی و حمایت‌های اجتماعی دولتی براساس الگوی هنجاری مرد نان‌آور و زن خانه‌دار صورت گرفته است. این الگو در دو دهه گذشته با افزایش جهانی مشارکت زنان در نیروی کار، کم‌وبیش تضعیف گردیده است. با این حال، به رغم همگرایی در نرخ فعالیت اقتصادی مردان و زنان، تقسیمات جنسیتی در دنیای کار همچنان پابرجاست. نکته حائز اهمیت دیگر این است که قسمت اعظم کار خانگی بدون دستمزد و نیز مراقبت از کودکان، سالمندان و... توسط زنان و دختران در درون خانواده‌ها، خانوارها، شبکه‌های خویشاوندی و اجتماع محلی صورت می‌گیرد که این عرصه‌های نهادی، غالباً اوضاع نامساعد جنسیتی را بازتولید می‌کنند. در نهایت در این فصل اشاره شده که هرچند رویکردهای نئولیبرال به اصلاحات دولتی در کشورهای در حال توسعه، گرایش به تضعیف ظرفیت دولت‌ها برای پاسخ‌گویی به نیازهای شهروندان خود دارند، اما احیای نقش دولت (در پارادایم موسوم به حکمرانی خوب^۲) فرصت‌هایی به دست می‌دهد تا حساسیت جنسیتی و پاسخ‌گویی دولت‌ها در این خصوص افزایش یابد.

بخش اول کتاب با عنوان خط سیر تاریخی و منطقه‌ای ارائه خدمات اجتماعی، شامل هفت فصل است. فصل اول، نقش مادران در دستور کارهای جدید فقر (به‌ویژه در کشور مکزیک) نام دارد. مباحث مطرح شده در این فصل عبارتند از: سیاست‌های اجتماعی در آمریکای لاتین پیش از انجام اصلاحات، جنسیت و سیاست اجتماعی، اصلاح بخش اجتماعی و جامعه عمل پوشاندن به سیاست‌های اجتماعی جدید^۳ در آمریکای لاتین. نویسندگان معتقدند دارایی‌ها،

1. Gendered construction
3. New social policy

2. Good governance

گرایش‌ها و مهارت‌های جنسیتی زنان، مشارکت آنان در بقای خانوار و نیز مشارکت‌شان در سطح اجتماعی محلی و همچنین رابطه آن‌ها با اقتصاد دستمزدی جملگی نقش مهمی در برنامه‌های ضد فقر دارند. بهزیستی زنان را نه فقط برحسب کالاهای مادی که براساس احترام و ارج‌گذاری شخصی، شأن، احساس تعلق و مشارکت نیز باید مدنظر قرار داد. در ایده سیاست اجتماعی جدید تأکید شده که باید با افزایش مشارکت و آگاهی جنسیتی، ظرفیت‌سازی و مسئولیت‌پذیر ساختن فقرا، از برنامه‌هایی که همچنان بر مفاهیمی منسوخ از نقش اجتماعی زنان متکی‌اند، فراتر رفت.

در فصل دوم این بخش با عنوان جنسیت و دولت‌های رفاه پس‌اوسویالیست در اروپای شرقی و مرکزی، اصلاح سیاست‌های مرتبط با خانواده در لهستان و جمهوری چک مورد مقایسه قرار گرفته و مسائلی نظیر میراث سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و اجتماعی، سیاست‌های مربوط به خانواده در دولت‌های رفاه پیش از دهه ۱۹۹۰ و تغییرات در مزایای مرتبط با خانواده در سال‌های پس از ۱۹۹۰ به بحث گذاشته شده است.

فصل سوم به سیاست‌های اجتماعی جنسیتی در ایران اختصاص یافته و این پرسش را که آیا سیاست‌های مرتبط با مادران در تقابل با شهروندی اقتصادی^۱ زنان قرار دارد یا خیر، به بررسی نهاده است. نویسندگان ضمن ارائه مباحثی در خصوص دولت و قوانین خانواده، ابراز می‌دارند که زنان ایران در جست‌وجوی شهروندی اقتصادی‌اند. با آن‌که موانع اقتصادی و فرهنگی از حضور گسترده زنان در بازار کار جلوگیری می‌کنند، اما زنان طبقه متوسط که در زمره نیروی کار هستند به فشارهایی برای رفع این موانع دست زده و درعین حال، راهبردهای دیگری مانند تشکیل NGOها یا پیوستن به آن‌ها را به کار می‌برند تا به ارتقای مشارکت اجتماعی، فرصت‌های شغلی و دسترسی به منابع اقتصادی نائل شوند.

برابری جنسیتی و رفاه اجتماعی توسعه‌ای در آفریقای جنوبی، موضوع فصل چهارم را شکل می‌دهد. دموکراتیک کردن رفاه اجتماعی و مفهوم رفاه اجتماعی توسعه‌ای از مباحث مطرح شده در این فصل است. نویسندگان معتقدند با آن‌که گذار به دموکراسی منجر به شکل‌گیری مجموعه‌ای گسترده از حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی در این منطقه شده، اما الگوهای جنسیتی فقر و نابرابری تغییر چندانی نیافته است.

در فصل پنجم با عنوان اصلاح سیاست‌های اجتماعی مرتبط با جنسیت در ژاپن و کره جنوبی، نویسندگان بحث‌هایی از این دست را پیش کشیده‌اند: توسعه دولت رفاه در ژاپن و کره

1. Economic citizenship

جنوبی (فراتر از نظام رفاهی تولیدگرا^۱)، فشارهای پسا صنعتی (تغییرات جمعیتی، تغییر ساختارهای خانواده و جنسیت)، بسط مراقبت‌های اجتماعی و تأمین اجتماعی و استلزامات و نتایج بازنگری در سیاست‌های اجتماعی برای زنان دو کشور.

در فصل ششم به تحولات دولتی‌هایی پرداخته شده که سیاست‌های مناسب‌تری در قبال زنان اتخاذ می‌کنند. در این زمینه به فرصت‌ها و محدودیت‌های دولت رفاه در سوئد اشاره گردیده و موضوعاتی از قبیل ادغام زنان در سوسیال دموکراسی، زنان و حقوق کار، بسط و گسترش دولت رفاه و الگوی نان‌آور دوگانه^۲ و محدودیت‌های دربرگیری و مشارکت برابر به بحث گذاشته شده است. پرسش بسیاری از فعالان حقوق زنان در سوئد و سایر کشورها این است که آیا دولت‌های حامی زنان می‌توانند در اقتصاد جهانی که با کاهش نقش دولت‌ها در سیاست‌گذاری همراه است، به بقای خود ادامه دهند یا خیر؟

در آخرین فصل از بخش اول کتاب، خانواده‌هایی که در آن‌ها کار کردن افراد بزرگسال به شکل یک الگو درآمده از نقطه نظر برابری جنسیتی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. پیوند میان سیاست‌گذاری اقتصادی و اجتماعی، امکان‌پذیری و مسائل رویکرد توانمندسازی^۳ و برابری جنسیتی در زمینه قابلیت‌ها^۴ از مواردی است که در این فصل بدان‌ها پرداخته شده است.

بخش دوم کتاب با عنوان غیررسمی بودن بازار کار و جست‌وجو برای تأمین اجتماعی، دو فصل دارد و ابتدا فصلی تحت عنوان بازار کار غیررسمی، جنسیت و حمایت اجتماعی را با تأملاتی پیرامون خانوارهای شهری فقیر در بولیوی و اکوادور دربرمی‌گیرد. از جمله مباحث این فصل می‌توان به تحولات اقتصاد غیررسمی، نقش‌ها و روابط جنسیتی، تزلزل شرایط کاری و فقدان حمایت اجتماعی، درک ماهیت کار غیررسمی، تغییرپذیری نیروی کار و اقتصاد خانوار اشاره کرد. همچنین مسئله جنسیت، اعتبارات و پرداخت اصل و فرع وام^۵، شبکه‌های اجتماعی غیررسمی و سازوکارهای حمایت متقابل مورد توجه قرار گرفته و بر اهمیت تفکیک قائل شدن میان فقر و آسیب‌پذیری تأکید گردیده است.

در فصل دوم که کارگران و دسترسی به حمایت اجتماعی نام دارد، آسیب‌پذیری ناشی از جنسیت به‌ویژه در مورد گروه‌های خاصی از زنان مانند مهاجران و کارگران خانگی مورد مذاقه قرار گرفته و بحث‌هایی نیز در خصوص برنامه‌های ابتکاری حمایت اجتماعی، بیمه همگانی برای شاغلین زن غیررسمی و طرح‌های داوطلبانه در زمینه بهداشت و درمان و بازنشستگی

1. productivist

2. Dual breadwinner model

3. Empowerment

4. capabilities

5. Debt-servicing

شاغلین غیررسمی با تمرکز بر زنان، سالمندان فقیر، اقلیت‌های نژادی و نواحی روستایی صورت گرفته است. پرسش راهبردی مطرح شده در این فصل این است که چگونه می‌توان مداخلاتی که در سطوح محلی، منطقه‌ای، ملی و فراملی به انجام می‌رسد را با یکدیگر تلفیق نمود تا مردمی را که درگیر روابط شغلی متفاوت‌اند، تحت پوشش قرار داد.

بخش سوم کتاب، ابعاد جنسیتی ساختاردهی مجدد به بخش اجتماعی نام دارد و دارای سه فصل است. در فصل اول که عنوان آن جنسیت و اصلاح بخش بهداشت و درمان است، دیدگاه‌هایی تحلیلی در خصوص تجارب قاره آفریقا مطرح گردیده و نویسندگان از جمله این بحث‌ها را پیش کشیده‌اند: دیدگاه‌های جنسیتی در مورد سلامت، تأمین مالی بخش بهداشت و درمان و محرومیت‌های مرتبط با جنسیت، طرح‌های بیمه درمانی، تأثیرات جنسیتی صرف هزینه عمومی در حوزه بهداشت و درمان و در نهایت، جنسیتی بودن ارائه خدمات از سوی بخش خصوصی و پیامدهای آن. پیشنهادهای نظیر اصلاح شرایط کاری برای کارکنان سطوح پایین‌تر بخش بهداشت و درمان و وارد ساختن زنان (از سطوح محلی تا بالاترین سطح) به اصلاحات بخش سلامت به گونه‌ای برابر با مردان نیز از سوی نویسندگان برای بهبود وضعیت حوزه بهداشت مطرح شده است.

در فصل دوم این بخش، اصلاح بخش بهداشت و درمان در چین از منظر برابری جنسیتی و عدالت اجتماعی بررسی شده است. تغییر نظام بیمه درمانی در شهرهای چین و پیامدهای آن با عطف نظر به جنسیت، بیمه مکمل مراقبت‌های بهداشتی، بیمه مادران، بیمه فراگیر کارگران مهاجر و استخدام کارکنان نیمه‌وقت و غیررسمی از جمله مباحث این فصل است.

در فصل سوم، آموزش دوره دبیرستان دختران در ایالت اوتارپرادش^۱ هندوستان مورد کندوکاو قرار گرفته و تأثیر ابعاد جنسیتی بر سیاست‌گذاری و شیوه‌های عمل دولتی به بحث کشیده شده است. زمینه اجتماعی-فرهنگی و تصورات قالبی در مورد جنسیت از موضوعات مطرح شده در این فصل است و سوگیری‌های نهادی در کنار چالش‌های سیاسی، سد راه ارتقای برابر جنسیتی در این ایالت به‌شمار آمده است.

بخش چهارم و پایانی کتاب نیز که عنوان آن تأمین مالی ارائه خدمات اجتماعی و لحاظ نمودن زنان است، دو فصل دارد. در فصل اول، پیامدهای جنسیتی اصلاحات مالیاتی در آمریکای لاتین به‌ویژه در کشورهای آرژانتین، شیلی، کاستاریکا و جامائیکا مورد توجه قرار گرفته است. تغییر ساختارهای مالیاتی از دهه ۱۹۷۰ و تأثیرات خاص آن از منظر جنسیت

1. Uttar pradesh

بررسی شده و فشار سیستم ضعیف مالیاتی در آمریکای لاتین بر بخش‌های فقیرتر و نیز زنان به کنکاش گذاشته شده است.

و بالأخره در فصل دوم این بخش، از ابتکارات بودجه‌ای دارای حساسیت جنسیتی سخن به میان آمده و انتظارات و واقعیت‌های این عرصه تبیین شده است. موضوعاتی همچون نهادینه کردن مسئله جنسیت در سیاست‌گذاری اجتماعی، ارتقای حقوق زنان و تأثیرات آن، ماهیت و رشد بودجه جامع مدنی، کار بدون دستمزد، سیاست‌های حامی فقرا و ابهام‌زدایی از بودجه‌ها در این فصل بررسی گردیده و اذعان شده که تفاوت‌های گسترده و چندگونگی این ابتکارات بودجه‌ای از کارایی آن‌ها کاسته است.